



● ما باید بدانیم در چه زمانه‌ای زندگی می‌کنیم /  
منوچهر پارسادوست

## در چه زمانه‌ای زندگی می‌کنیم

سده بیستم، آغاز بیداری ملت‌های عقب مانده بود و ملت ایران این سرفرازی تاریخ را دارد که اولین ملت در خاورمیانه بود که تلاش‌هایش برای مبارزه با استبداد داخلی، محدود کردن اختیارات شاه و برقراری حاکمیت مردم بر مردم به ثمر رسید و در نخستین دهه آن سده - در ۱۹۰۶ م. - قانون اساسی را به تصویب رساند. جنبش مشروطیت ایران که از گذشته نزدیک نیرو می‌گرفت، سرآغاز بیداری مردم ایران برای داشتن آزادی، به رسمیت شناساندن حقوق مسلم خود و پایان دادن به استبداد طولانی تاریخ بود. ولی جنبش امیدبخش مردم ایران به زودی از حرکت بازماند و هیولای شوم استبداد باز بر آن چیره شد.

جنبش ملی شدن نفت در ۱۳۲۹ (۱۹۵۰ م.) با همبستگی گروه‌های بیشتری از مردم ایران آغاز شد و قدرت استعماری انگلستان را که استقلال کشور را پامال و ثروت کشور را غارت می‌کرد به چالش خواند و سرانجام بر آن پیروز شد. مردم ایران در جنبش ملی شدن نفت موفق به بیرون راندن کارکنان انگلیسی شرکت نفت ایران و انگلیس گردیدند و کشور را از نفوذ بیگانه‌رهای بی‌بخشیدند. ولی آن نیز دیری نپایید و این بار، قدرتهای بیشتری از بیگانگان، افزون بر انگلستان، امریکا نیز استقلال کشور را بازیچه مقاصد خود قرار داد و همگان به تاراج ثروت کشور پرداختند.

انقلاب فراگیر ۱۳۵۷ (۱۹۷۹ م.) برای مبارزه با استبداد داخلی و رهایی کشور از نفوذ

بیگانگان آغاز گردید و سوانجام به همت همه زنان و مردان، و همه گروههای اجتماعی توفیقی عظیم یافت. شعار استقلال و آزادی، دو پایه اصلی جنبش اجتماعی و راهنمای آن برای آینده گردید. امید مردم آن بود که این بار با انتخاب جمهوری اسلامی برای اداره امور، حاکمیت مردم بر کلیه ارکان کشور تأمین و تضمین شود، عقب ماندگیهای غم‌افزای کشور به سرعت برطرف گردد و راه برای داشتن کشوری آباد و پیشرفته، و مردمی آزاده و پیشرو هموار و مساعد شود. تنشهای داخلی سالهای نخستین حکومت جمهوری اسلامی، گروگانگیری، جنگ هشت ساله، تلفات و خسارات سنگین جنگ، انزوای سیاسی ایران، اقدام هزاران متخصص و مدیر به ترک کشور، شرایطی به وجود آورد که حرکت اجتماعی ایران را به سوی پیشرفت متوقف ساخت و کشور را درگیر پیامدهای ناشی از آنها نمود.

جنبش مردم ایران برای داشتن آزادی و استقلال، این بار چون ریشه در میان توده‌های کثیر مردم دارد، و از پشتیبانی بزرگترین نیروی اجتماعی بهره‌مند است با وجود همه دشواریها همچنان پویا و پرشور بر جا مانده است. عامل مهمی بر توان این نیرو می‌افزاید و همواره آن را افزون‌تر می‌کند، عاملی که خاص زمانه ماست و می‌توان آن را انقلاب دوم صنعتی نامید. انقلاب الکترونیک و اطلاعات که از مظاهر آن، از جمله اینترنت و ماهواره است مانند انقلاب اول صنعتی در نیمه دوم قرن هجدهم خطوط کلی سیمای جهان را دگرگون نموده است. انقلاب اول صنعتی با پیمودن سریع فاصله به کمک اتومبیل، ترن و هواپیما، بخشی از مردم جهان را که توان بهره‌مندی از دستاوردهای آن را داشتند به یکدیگر نزدیک نمود و آنان را به احوال هم آشنا ساخت. انقلاب الکترونیک و اطلاعات همه پهنه جهان را با تمام گستردگی آن دهکده کوچکی نمود. در زمانه ما، همه مردم جهان از همه احوال یکدیگر نه به فاصله روزها و ساعتها، و نه حتی دقیقه‌ها، بلکه ثانیه‌ها آگاه می‌شوند. در چنین زمانه‌ای، مردم هر کشوری از چگونگی شرایط زیست و شرایط اجتماعی مردم کشورهای یکدیگر اطلاع می‌یابند و با کمک اینترنت برای هر پرسشی، پاسخ سریع و مطمئن از منابع صلاحیتدار به دست می‌آورند.

خصلت برجسته زمانه ما، آگاهی توده مردم است. امروز دانش و آگاهی، تنها در دسترس عده‌ای که خود را نخبگان جامعه تلقی می‌نمودند قرار ندارد. همه مردم از هر رشته دانش و از هر موضوعی به سرعت و به درستی آگاه می‌شوند و هیچ تدبیری قادر به جلوگیری از آگاه شدن مردم نیست. امروز نخبگان جامعه، صاحبان دانش و آگاهی، توده مردم و همه مردم هستند و این، واقعیت زمانه ماست. نخبگان جامعه، همه مردم، برای به دست آوردن حقوق مسلم خود صدای خود را بلند کرده‌اند. در زمانه ما، صدای نخبگان جامعه، همه مردم را که آگاه و بیدار شده‌اند نمی‌توان ناشنیده گرفت.



مردم کشورهای جهان سوم به یاری انقلاب دوم صنعتی آگاه شده‌اند که مردم کشورهای پیشرفته چگونه جامعه خود را اداره می‌کنند و چگونه از رفاه و امکانات فراوان برای داشتن زندگی بهتر برخوردار هستند. آنان به کمک انقلاب دوم صنعتی از نزدیک با شرایط زندگی فردی و اجتماعی مردم کشورهای پیشرفته آشنا می‌شوند، و این آشنایی، آنان را به مقایسه‌ای تلخ و دردانگیز می‌کشاند، و سؤالی تلخ‌تر احساس و اندیشه آنان را از اندوه و شرمساری زیر فشار قرار می‌دهد، سؤالی که در تلاش یافتن پاسخ قانع‌کننده برای کثرت عقب ماندگی‌هاست.

در چنین زمانه‌ای، با چنین شرایطی، راه اساسی پیشرفت هر کشور در بهره‌مندی از توان کلیه افراد ملت است. تنها همه نیروی ملت است که با توانایی برخاسته از دانایی قادر است همه مشکلات و تنگناهای کشور را بر طرف کند.

ما باید بدانیم در چه زمانه‌ای زندگی می‌کنیم و شرایط آن چیست. شرایط زمانه ما کاملاً تازه و متفاوت با گذشته، حتی گذشته نزدیک است. در چنین زمانه‌ای، جنبش اجتماعی آرام نمی‌گیرد و پیوسته بر نیروی آن افزوده می‌شود. مردم ایران، به ویژه جوانان ما که اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند با زورمندی و اراده‌ای که از آگاهی آنان مایه می‌گیرد مصمم هستند این بار جنبش اجتماعی را به سامان برسانند. راه عقلانی و وجدانی، همگامی با جنبش است که برگشتی برای آن وجود ندارد. این جنبش برای درمان بسیاری دردهاست، دردهایی که کشور ما را

زیون و رنجور ساخته و داغ عقب ماندگی را بر پیشانی آن مهر کرده است. نه تنها عقل، وجدان نیز حکم می‌کند با دل و جان به یاری کشوری چنین در مانده و ناتوان برخیزیم و صمیمانه به درمان آن بکوشیم.

ما در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که شتاب از خصلتهای برجسته آن است. مردم کشورها، به ویژه کشورهای جهان سوم که از خواب سنگین سده‌ها بیدار شده‌اند برای داشتن بسیاری که ندارند و دانستن بسیاری که نمی‌دانند شتاب آگاهانه دارند. ملتها می‌کوشند با ایجاد همبستگی بین توده‌های پراکنده مردم و تقویت آن، و متمرکز ساختن کلیه نیروهای اجتماعی و منابع مالی و طبیعی در جهت اصلاحات، در زمانی هر چه کوتاهتر به رفع بسیاری از عقب ماندگیها توفیق یابند. زمانه ما تأخیر را تحمل نمی‌کند و در مسابقه چشمگیر ملتها برای پیشرفت، شتاب آگاهانه را از عاملهای مؤثر برای رسیدن به هدف می‌داند.

بیایم ایران را که به ما موهبتها ارزانی داشته و هر چه داریم صادقانه و آگاهانه دوست بداریم. راه امروز و فردا قطعی است و اجتناب ناپذیر و برگشت نیافتنی است. این راه، راه اصلاحات و رفع عقب ماندگیهاست و با همه دشواریهایی که در پیش است پیموده می‌شود. شرایط زمانه ما با شرایط همه سده‌های گذشته اختلاف اساسی دارد. نادیده گرفتن آن شرایط، از اهمیت و تأثیر آن نمی‌کاهد و پذیرفتن شرایط و پیامدهای آن، راه را برای یک زندگی بهتر و آرامش بخش برای همه مردم ایران هموار و مساعد می‌کند.

تاریخ ایران که سرشار از تجربه‌ها و عبرتهاست به ما می‌آموزد که همبستگی نخبگان دیروز با فرمانروا، موفقیتها و شادیاها به همراه داشته است و ما را هدایت می‌کند که یقین بدانیم همبستگی نخبگان امروز، کل توده مردم با مسئولان که از میان همین مردم انتخاب می‌شوند و از آنانند، کشور و مردم ما را با کامیابیا و شادمانیا رو به رو خواهد ساخت.

همبستگی از خصلتهای برجسته زمانه ماست. همبستگی بین مردم در جهان در دهکده جهانی، همبستگی بین مردم یک کشور و همبستگی بین مردم و مسئولان همواره تقویت و الزامی می‌شود. این خصلت چاره‌ساز را بپذیریم و به آن ارج نهمیم. ریشه هر نوع نفاق و بیگانگی را از بن برکنیم. دستهای یکدیگر را صادقانه بفشاریم. و با همکاری دسته جمعی و به همت همه زنان و مردانی که آرزوی ایجاد ایرانی آزاد و آباد وجود آنان را گرمی شوق و حرکت می‌دهد بکوشیم ایرانی برای فرزندانمان بسازیم که بی‌هراس از فقر و ترس، و با امید به فردای بهتر به شکوفایی بیشتر استعدادهای خود پردازند.

تاریخ ایران، از جمله این کتاب، آشکار می‌دارد که نفاق و جدایی چه آسیبهای سخت و سهمگین بر مردم کشور وارد می‌آورد و همه مردم، از فرمانروا تا فرمانبر را با چه دشواریها و

مراتها رو به رو می‌کند. تاریخ به ما می‌آموزد که کشور به مثابه کشتی عظیمی است که همه افراد کشور، در هر مقام و جایگاه اجتماعی، در درون آن به خدمتی اشتغال دارند. مصلحت همه آن است که کشتی در توفانهای بی‌امان زمان - به ویژه زمان ما - از میان موجهای هراس‌انگیز آن با همکاری دسته جمعی همه افراد و همه قومهای ایرانی حرکت خود را به سوی ساحل نجات که کرانه‌های آن در افق دوردست قرار دارد ادامه دهد. اگر کشتی به هر علتی آسیب ببیند همه کسانی که در درون آن نشسته‌اند از صدمه‌های آن در امان نخواهند بود.

باید بدانیم و درست بدانیم که کشور ایران که زمانی در گروه پیشتاز کشورهای پیشرفته قرار داشت، در آغاز سده بیست و یکم کشور عقب مانده‌ای است که با گروه کشورهای پیشرفته فاصله غم‌انگیزی دارد. نگاهی به شرایط زیست و شرایط اجتماعی کشورهای پیشرفته - که امروز آشنایی به آنها به یمن امکانات این سده آسانتر و سریعتر از هر زمانی انجام می‌گیرد - همه وجود ما را مالا مال از درد می‌کند و درد آن تا مغز استخوان می‌نشیند. کشور ما اکنون با انبوهی از دشواریها و تنگناها رو به روست. تنها قدرت ملت است که با نیروی عظیم خود می‌تواند همه آنها را برطرف کند. افزون بر آن، برای زنده ماندن و از منافع خود به توانایی دفاع کردن، در جهانی که حق و عدالت در آن راه ندارد، مطمئن‌ترین راه تکیه بر خود و تلاش برای افزودن قدرت ملت است. قدرت ملت نیز بیش از هر عاملی در بالا بودن سطح آگاهی و دانایی آن است. آگاهی و دانایی ملت زمانی به گونه رضایت‌بخش تحقق می‌یابد و امکان بروز نیروی عظیم خود را به دست می‌آورد که از موهبت آزادی برخوردار باشد. آزادی جان مایه حیات ملت است و بدون آن قدرت ملت رنجور و ناتوان می‌شود. آزادی، در زمانه‌ای که قدرت ملتها در قدرت اندیشه آنهاست، اندیشه‌ها را بارور و توانا می‌کند؛ همبستگی ملی را در میان قومهای ایرانی تقویت می‌نماید؛ روحیه همکاری دسته جمعی را برای خدمت به کشور نیرومند می‌کند و فضای مطلوب برای ریشه کن کردن هر گونه نفاق و کینه‌ورزی را به وجود می‌آورد.

آزادی ضرورت فوری زمان ما و چون هوا برای حیات اجتماعی الزامی است.<sup>۱</sup>

۱- نقل از موخره «شاه اسماعیل دوم، شجاع تباه شده» چاپ اول ۱۳۸۱ - شرکت سهامی انتشار.